

بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی منعکسه در مطبوعات عصر قاجار (مطالعه موردی روزنامه اختر)

موسی کاظم‌زاده^۱

چکیده

گسترش ارتباطات ایران با جوامع اروپایی و غربی در عصر قاجار، موجب تحول، دگرگونی و تکوین مباحث حقوق شهروندی در این دوره را نشان می‌دهد. بر همین اساس، با بررسی متون و آثار مطالب منتشر شده در این دوره، و به‌ویژه با کنکاش و تحقیق در مطالب مطبوعات این عصر به عینه می‌توان، نحوه و چگونگی شکل‌گیری گفتمان حقوق شهروندی را در عرصه اندیشه آثار نخبگان و برخی نمودهای علمی این دوره مشاهده کرد. بدین‌سان به‌نظر می‌آید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تکوین مفهوم حقوق شهروندی و پیامدهای آن در عصر قاجار، رسانه‌ها و به‌خصوص مطبوعات بودند. از آن‌روی که مطبوعات به‌مثابه یکی از نخستین وسایل ارتباط جمعی، از ابزارهای شناخت، معرفی، تبیین و اشاعه موضوعات و مفاهیم زندگی جوامع بشری در گذشته و امروز هستند، این رسانه را برای تحلیل و بررسی آثار اندیشه‌گران و نوظواهران دوره قاجار درخصوص مؤلفه‌های حقوق شهروندی برگزیده‌ایم. در این تحقیق، محتوای نشریه اختر به روش تحلیل محتوای کمی، مورد بررسی قرار گرفت. در این روش ۱۲ شماره از نشریه اختر سال ۱۲۹۴ ه.ق؛ (سال سوم انتشار این روزنامه) با روش *kzhl lkn* انتخاب و تمام داده‌ها با نرم‌افزار *spss* پردازش و با استفاده از آزمون *کای اسکوئر* رابطه میان متغیرها بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، بیشتر مطالب منتشر شده در نشریه اختر به سبک خبر بوده و مطالب تحلیلی مانند مقاله هم سهم قابل توجهی دارد و البته تنوع سبک بیشتر و عمدتاً سیاسی است. باین‌حال، عمده مطالب این نشریه در راستای اطلاع‌رسانی پیرامون مؤلفه‌های حقوق شهروندی و فرهنگ مدرن داشته و کمتر به جهت‌گیری پرداخته و اگر هم جهت‌گیری داشته، این جهت‌گیری‌ها منفی و طرد برخی مؤلفه‌ها بوده است.

واژگان کلیدی

مطبوعات، اختر، قاجار، شهروندی، حقوق شهروندی.

۱- پژوهشگر حوزه ارتباطات رسانه، فرهنگ و جامعه؛ دانشگاه تبریز، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

تاریخ زندگی اجتماعی بشر، یکی از مقوله‌های مطلوب در نزد افراد برابری و عدالت بوده است و انسان‌ها همیشه از تبعیض و بی‌عدالتی رنج برده‌اند. ازسوی‌دیگر، خداوند با ارسال پیامبران یکی از اهداف آنها را برقراری قسط و عدل برشمرده است.

آنچه در این راستا مهم به نظر می‌رسد؛ اینکه واژه شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه نموده است و در نظریات اجتماعی، سیاسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

بدین‌سان، مقوله «شهروندی» در مفهوم عام به حقوق مدنی و سیاسی و تعهداتی که همه اعضای یک جامعه باید نه‌تنها به‌طور رسمی، بلکه به‌عنوان یکی از واقعیت‌های زندگی‌شان داشته باشند، اشاره دارد. حقوق شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به‌عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت فعالیت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم برعهده می‌گیرند. ازسوی‌دیگر، شهروندان در جامعه نه‌تنها حقوقی دارند، بلکه دارای مسئولیت‌هایی می‌باشند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد.

با عطف به این رویکرد؛ بررسی و مطالعه دقیق و همه‌جانبه حقوق شهروندی، مستلزم شناخت مبانی دو مفهوم کلیدی حقوق و شهروند است. «شهروند» از جمله واژگانی است که معمولاً با واژه دولت مطرح می‌شود و در قدیم به‌جای کلمه شهروند از کلمه «ملت» استفاده می‌شده است.

براساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل سه گونه؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است. به‌سخن‌دیگر، تغییرات عمده‌ای که پس از رنسانس در جهان پدید آمد همگی محصول تجربیاتی بود که در فرهنگ و جوامع غربی صورت پذیرفت. همان تجربیات به‌تدریج دامنه تأثیر خود را گسترش داد و در صنعت، مسیر خود

را دنبال کرد. از سوی دیگر، گسترش ارتباطات ایران در دوره قاجار، تجربه نخستین طلبه‌های تغییرات در کشور و همسویی با جهان غرب را به دنبال داشته است. به بیان دیگر، تمایل شاهان قاجار در پرداختن به روزنامه و روزنامه‌نگاری، از مهمترین عرصه‌های ورود ما به قلمرو جهان پیشرفته به حساب می‌آید که با وجود دسترسی به نشریات اروپایی، روزنامه را در مقام یکی از معرفی‌کنندگان محصولات جدید قرار داد (فرقانی و حمزه‌ئی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۸ و ۱۵۰).

ایران در عصر جدید یعنی از دوره قاجار به این سو، این مفاهیم را در فضای گفتمانی خویش تجربه کرد. فرد صاحب حقوق جذابیت یافت و قانون در مرکز توجه قرار گرفت. متفکران قاجار در بعد فلسفی، با ارج نهادن به کرامت انسانی، اختیار و آزادی انسانی تا حدودی به درکی از انسان پیشرفته مستقل نزدیک شدند و با تصویری هر چند ابتدایی از انسان پیشرفته، پایه‌ای فلسفی برای حقوق شهروندی در این دوره را فراهم نمودند. لذا هدف از ورود به بحث شهروند و حقوق شهروندی، در پیوند در این پژوهش، طبیعتاً ارائه بحثی تخصصی از مفاهیم مذکور که قاعدتاً باید در علوم اجتماعی، حقوق و یا از دیدگاه میان‌رشته‌ای مورد بحث قرار گیرند، نیست (فصیحی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹ و ۱۵۲).

آنچه ورود به این موضوع را برای این پژوهش اجتناب‌ناپذیر ساخته، پرسشی برخاسته از مباحث حقوق شهروندی در دوره معاصر است، که ریشه شکل‌گیری پیشرفته این مفاهیم را می‌توان در آثار و اسناد به‌جای مانده این عصر، مشاهده کرد.

یادآوری این نکته ضروری است که در ایران عصر قاجاریه به دنبال رشد اندیشه‌های نوجوانانه، مجال نیز برای طرح مفاهیم جدید حقوقی از جمله مفهوم حقوق شهروندی فراهم شد. بررسی آثار اندیشه‌گران و نوجوانان دوره قاجار نشان می‌دهد، گفتمان ملی‌گرایی بستر مناسبی برای طرح مفهوم نوپای حقوق شهروندی در آن روزگار بوده است (علیزاده، ۱۳۹۱، ص. ۷۱).

از آن روی با عطف به این رویکرد؛ در اینجا شاید این پرسش مطرح شود که چرا حقوق شهروندی در جوامع بشری مطرح شد؟ یا مؤلفه‌های حقوق شهروندی با چه مفاهیمی در گذشته و امروز شناخته می‌شد؟

بنابراین، پژوهش حاضر به بازخوانی و بازتاب مؤلفه‌های حقوق شهروندی در دو

نشریه عصر قاجار، به‌منزله یکی از ارکان آشنایی ایرانیان با تحولات و محصولات تمدنی دنیای جدید می‌پردازد. همچنین چگونگی جهت‌گیری مطبوعات مورد بررسی نسبت به مؤلفه‌هایی چون حیات، سلامت و زندگی شایسته، آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات، دسترسی به اطلاعات، هویت فرهنگی، بیان رسانه‌ای و آفرینش هنری، حریم خصوصی، سلامت اداری، حکمرانی شایسته و حکومت قانون، شفافیت و رقابت، حق مشارکت شهروندان در سرنوشت اجتماعی، حقوق اقتصادی و مالکیت، اشتغال و کار شایسته، آسایش، رفاه، حمایت و تأمین اجتماعی، عدالت قضائی، آموزش و تعلیم، خانواده، زنان، کودکان و کهنسالان، نخبگان، استادان و دانشجویان، ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های شهدا، اقلیت و اقوام، روستانشینان و عشایر، محیط زیست و توسعه پایدار، تابعیت، اقامت و ایرانیان خارج از کشور و ... مورد مطالعه قرار گرفت.

براین‌اساس، سؤال‌های اصلی پژوهش عبارت است از:

۱. مؤلفه‌های حقوق شهروندی در مطبوعات عصر قاجار چگونه مطرح شده است؟ ۲.
- حقوق شهروندی از بعد اجتماعی، سیاسی و مدنی در مطبوعات عصر قاجار چگونه مطرح شده است؟ ۳. ساختار محتوای نشریه مورد مطالعه چگونه بوده است.

۱- ضرورت و اهمیت این پژوهش

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری مردم‌سالاری و مفاهیم اساسی زندگی مردم‌سالارانه به‌شمار می‌رود (احمدپور، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۴). با مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی و کاربردهای متفاوت آن توسط صاحب نظران، روشنفکران، رهبران و افراد عادی سه‌گونه برداشت از شهروندی را می‌توان از هم تفکیک کرد: ۱. شهروندی به‌صورت یک واژه توصیفی، تجربی و عینی دربردارنده حقوق و تکالیف واگذارشده به افراد شایسته در دولت خاص مثل دولت-شهرهای یونان یا دولت‌های ملی در دوره جدید؛ ۲. شهروندی در قالب یک قضاوت اخلاقی مشتمل بر مجموعه اخلاق و فضایل فردی به‌عنوان یک شهروند خوب و واقعی و ۳. شهروندی به‌صورت یک واژه تحلیلی دربرگیرنده حمایت دولت از اعضای خود و ایجاد فرصت‌های مشارکت سیاسی برای

آنان (Janowitz, 1980, p.48).

به این ترتیب در دوره‌ها و دیدگاه‌های مختلف شهروندی از لحاظ معنا و محتوا، گستره، بستر اجتماعی و عمق متفاوت بوده است، اما می‌توان جوهره آن را بر سه عنصر حقوق، وظایف و احساس - هویت و فضیلت مدنی - قرار داد (شیانی، ۱۳۸۸).

به دیگر سخن اینکه؛ تاریخچه معارضه دو مفهوم شهروندی و رعیت به اواخر قرن ۱۹ برمی‌گردد. به بیان دیگر، اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ پس از اعلامیه منشور کوروش در ایران، نخستین اسنادی است که در آن، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، اصطلاح حقوق بشر و شهروندی، نخستین بار در اعلامیه ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه به کار رفت؛ اعلامیه ای که مشتمل بر یک مقدمه و ۱۷ ماده بود. پس از آن کشورهای دیگر نیز قوانینی را برای حفظ حقوق شهروندان آن سرزمین‌ها وضع کردند. در این دوره با تغییرات در جوامع و گسترش حدود طبقات متوسط جامعه که خواهان حقوقی متناسب بودند، زمینه تدوین حقوق متضمن منافع اکثریت جامعه فراهم شد. با این ملاحظات انقلاب فرانسه، صنعتی شدن و استقلال آمریکا این روند تدوین را سرعت بخشید و به جوامع دیگر نیز گسترش داد. پذیرش حقوق ذاتی انسان و آزادی همه انسان‌ها از بدو تولد در جوامع مختلف از آثار این دوره به‌شمار می‌رود.

به‌طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد: دیدگاه اول که مربوط به هانتینگتون است، بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود. از این منظر، الگوی یک کشور واحد در زمینه حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم شود. دیدگاه دیگر را مدرنیست‌ها دارند؛ آن‌ها بر این عقیده‌اند که اصول حقوق شهروندی جهان‌شمول است و نمی‌توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه برای دیگر جوامع تصمیم‌گیری کرد. در مقابل این دیدگاه نیز پست‌مدرن‌ها با تأکید بر مسائل منطقه ای و ویژگی‌های فرهنگی هر اجتماع، خاص همان جامعه تصمیم‌گیری می‌کنند. روسو نیز در کتاب قرارداد اجتماعی خود بیان می‌کند که انسان آزاد زاده شده لیکن همه‌جا در اسارت است. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه نیز با الهام گرفتن از اندیشه روسو بیان می‌دارد که انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و آزاد

زندگی می‌کنند و در حق برابرنند.

در این میان، طبق ماده ۴ اعلامیه فوق، فقط قانون می‌تواند حد و حدود آزادی‌ها را تثبیت و مشخص کند و این مرزها در اجرای حقوق طبیعی هر انسان فقط توسط قانون می‌تواند تعریف شوند. از نظر این اعلامیه، آزادی اصل و قاعده است و محدودیت بر آن استثنا است. در اصل حقوق بنیادی نباید مورد تعرض قرار گیرد و همچنین نباید حقوق بشر را نقض کرد (بی‌نام، ۱۳۹۲، ص: ۱۷).

با این مقدمه در این زمینه باید متذکر شد، درست است که حقوق شهروندی از زمان خلقت انسان‌ها به نوعی مطرح بوده است، ولی مطالعات مربوط به حقوق شهروندی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران از سوی پژوهشگران در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این راستا؛ شامل دوره معاصر و کلیات بوده و بررسی حقوق شهروندی در دوره‌های تاریخ گذشته و به‌خصوص نحوه بازتاب این موضوع در وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه در مطبوعات و تحلیل محتوای آن کمتر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

آنچه ورود به این موضوع را برای این تحقیق اجتناب‌ناپذیر ساخته، پرسشی برخاسته از مباحث حقوق شهروندی در دوره معاصر است، که ریشه شکل‌گیری جدید این مفاهیم را می‌توان در آثار و اسناد به‌جای‌مانده این عصر، مشاهده کرد.

۲- اهداف تحقیق

هدف کلی: هدف کلی این تحقیق «بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی منعکسه در مطبوعات عصر قاجار با تکیه بر مطالعه روزنامه اختر است.

اهداف جزئی: ۱- بررسی ساختار و محتوای مطالب منتشر شده در روزنامه اختر؛ ۲- تعیین سهم و بازتاب مطالب انتشاریافته در رابطه با مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نشریه مورد بررسی؛ ۳- تعیین تفاوت و جهت‌گیری نشریه مورد مطالعه نسبت به مؤلفه‌های حقوق شهروندی.

۳- متغیرهای تحقیق

اختر، نشریه فارسی که در اواخر دوران قاجار در استانبول منتشر می‌شد. از جمله مهمترین روزنامه‌هایی که در دوره پیشامشروطه نقش اساسی در آگاهی‌بخشی به مردم داشت و نامی ماندگار از خود به جا گذاشت، روزنامه «اختر» است. این روزنامه، نشریه‌ای مترقی بود و نقشی بزرگ در بیداری ایرانیان داخل و خارج کشور داشت. نوشته‌هایی از نویسندگانی چون میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، میرزا حبیب اصفهانی، و فتح‌الله‌خان شیبانی در روزنامه اختر به چاپ می‌رسید.

علت اصلی انتشار این روزنامه در استانبول به‌خاطر وجود تعداد زیاد ایرانیان در این منطقه بود. مطابق آمارهای سفارت ایران، تعداد ایرانیان ساکن در منطقه آناتولی (به‌استثنای بخش اروپایی عثمانی) ده هزار و هشتصد نفر بودند که در ترکیه امروزی (بدون در نظر گرفتن استانبول) در بیروت، سوریه و .. اقامت داشتند (براهیمی، ۱۳۸۶، صص. ۲۷۳-۲۷۴). به‌جز این عامل مسئله دیگری که وجود داشت اینکه «زبان فارسی در عثمانی تا زمان سلطان محمودخان ثانی، زبان دوم دربار و طبقه راقیه عثمانی شمرده می‌شد و هر ادیب و نویسنده فاضل عثمانی، فارسی را در حد زبان ترکی از جهت خواندن و نوشتن می‌دانست (خسروشاهی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۶). بنابراین ترویج زبان فارسی از دیگر دلایل حمایت از انتشار اختر توسط دولت ایران بود (ناصری، ۱۳۸۶، صص. ۵۱-۵۲). سومین دلیلی که لزوم انتشار اختر و حمایت دولت ایران را از آن را لازم می‌داشت، مطالبی بود که روزنامه‌های عثمانی علیه ایران می‌نوشتند و می‌بایست یک روزنامه ایرانی حضور می‌داشت تا به این اتهام‌ها پاسخ گوید.

مدیر روزنامه اختر میرزا طاهر تبریزی بود و سردبیر آن نیز حاجی میرزا مهدی اختر بود. نکته جالب اینکه هر دو نفر پیش از انتشار اختر تاجر بودند (ناصری، ۱۳۸۶، صص. ۵۱-۵۲). از این‌رو؛ اولین شماره روزنامه اختر در تاریخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ منتشر شد. این نشریه به مدت ۲۲ سال قمری و بیست سال میلادی در استانبول در بین سال‌های ۱۲۵۴ تا ۱۲۷۵ شمسی، ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ قمری و ۱۸۷۵ تا ۱۹۹۶ میلادی منتشر شد (برزین، ۱۳۷۱، ص. ۳۵). شکل و محتوای اختر در طول انتشار بیست‌ساله آن صعود و نزول داشته است.

ترتیب انتشار، عناوین و موضوعات مطالب در همه شماره‌های آن به یک شکل نبوده است. حتی تیتیر عنوان نشریه نیز در طول زمان انتشار آن به دو شکل متفاوت بوده است. در سال‌های ابتدا و بیشتر زمان انتشار آن به شکل نستعلیق کلمه «اختر» در بالای میانه بالای صفحه درج می‌شده است، اما در شماره‌های سال‌های واپسین نشریه دو کلمه اختر تو در تو و به شکل قرینه به‌عنوان لگو قرار گرفت. در زیر عنوان نیز سال انتشار (۱۲۹۲) درج می‌شد و در زیر آن کلمه اختر به زبان فرانسه نوشته می‌شد: L'AKHTER.

مندرجات اختر در شماره واپسین آن به این شرح بود: سیاسی، خبرهای تلگرافی، توجیهات، نشان، عواطفانه ملوکانه، حجاج، چین، شدت حرارت، قضا، حریق، کوه آتش‌فشان، مکتب رشدیه تبریز، ظهور ناخوشی، زلزله، فنون، آمریکا، اعلان، صرافیه و اختر در سمت چپ لگوی خود تعرفه سالیانه خود را در بلاد «اسلامبول، عثمانیه، ایران، هندوستان، روس و قفقاز، اروپا و عربستان» آورده است.

به‌بیان‌دیگر؛ اختر در ابتدا هر هفته به استثنای روزهای جمعه و یکشنبه منتشر می‌شد. پس از مدتی هفته‌ای دوبار منتشر می‌شد و پس از آن انتشار خود را به هفته‌ای یک‌بار محدود کرد. در میان نویسندگان اختر نام‌های مطرحی را می‌توان دید، از جمله مهمترین این نویسندگان می‌توان به میرزا یوسف مستشارالدوله، میرزا حسین خبیر الملک، میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی، احمد روحی، علی محمدخان کاشانی ناشر پرورش و طالبوف اشاره نمود.

در زمان انتشار روزنامه اختر، «استانبول پایتخت جهان اسلام و مرکز تحول و تفکر جدید در جهت پیشرفته شدن ... بود.» (ناصری، ۱۳۸۶، ص. ۴۹). از این رو، اختر نیز به شدت متأثر از پیشرفت مغرب زمین است. اختر در بررسی و تبیین نقش دولت و مردم در اقتصاد شدیداً متأثر از لیبرالیسم اقتصادی اروپای آن روز است. به همین دلیل است که دو پیشنهاد به دولت ایران ارائه می‌دهد. نخست از دولت می‌خواهد برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی امنیت لازم را ایجاد نماید. دوم اینکه خواستار عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (رجائی، ۱۳۸۰، ص. ۶۴).

علاوه‌براین نگاه اقتصادی، دیدگاه سیاسی اختر نیز رویاروی استبداد شرقی

ناصرالدین شاه بود. یکی از بحث‌هایی که اختر در مدت ۲۰ سال انتشار خود دنبال می‌کرد، موضوع جمهوریت است. در اختر به محاسن جمهوریت اشاره و توضیح داده می‌شد که نظام جمهوری نظامی بسیار مطلوب است مشروط به اینکه مردم آگاهی لازم را داشته باشند. به همین دلیل است که پس از طرح این مسئله در مورد ضرورت آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت بحث می‌کند (ناصری، ۱۳۸۶، ص. ۶۲-۶۳).

علاوه بر این روزنامه اختر که ۳۲ سال پیش از انقلاب مشروطه منتشر می‌شد، جایگاه ویژه‌ای در ایجاد تفکر پارلمانی داشت. این نشریه در کنار نظریه‌پردازی از انواع مجالس گوناگون در کشورهای مختلف نظیر مجلس شورا، مجلس سنا، شورای شهر و ... سخن به میان می‌آورد (نصر، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۱). اختر همچنین توجه ویژه‌ای به مساوات و قانون و اجرای آن برای به ثمر رسیدن عدالت سخن می‌گوید که نتیجه عدالت نیز امنیت است (رجائی، ۱۳۸۰، ص. ۶۵).

از آنجاکه روزنامه اختر در سرزمین عثمانی منتشر می‌شد، اصلاحات صورت گرفته در این کشور مورد توجه اختر قرار می‌گرفت. یکی از مراحل اصلاحات در عثمانی جنبش تنظیمات بود که جنبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. «دولتمردان عثمانی با مشاهده بحران‌ها و عقب‌ماندگی عثمانی برای جلوگیری از هم‌پاشیدن امپراتوری عثمانی چاره را در اصلاحات می‌بیند و سرانجام فرمان تنظیمات را در سال ۱۸۵۶ صادر می‌کند. این فرمان حاوی حقوق امنیت جان، مال، ناموس برای اتباع مسلمان و غیرمسلمان عثمانی بود. سرانجام در سال ۱۸۷۶ به علت جوابگو نبودن این اصلاحات از بالا، مشروطیت اول عثمانی به وجود می‌آید و نخستین قانون اساسی شرق تدوین می‌شود» (عباسی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۷).

درواقع؛ «روزنامه اختر باعث تشکیل و استحکام نخستین هسته‌های مبارزه با استبداد دستگاه ناصری در بیرون از کشور شد و به علت انتشار مقالات آموزنده و پرمغز نفوذ آن در ایران آن‌چنان افزایش یافت که چندی بعد در زمان صدارت امین‌السلطان پخش و مطالعه آن از سوی ناصرالدین شاه به کلی ممنوع شد» (کهن، ۱۳۶۳، صص. ۱۰۳-۱۰۴).

به بیان دیگر؛ حکومت ناصرالدین شاه تلاش می‌کرد تا به هر نحوه ممکن از ورود روزنامه به داخل کشور جلوگیری کند. «اگر روزنامه را در مناطق مرزی از کسی

می‌گرفتند او را کتک می‌زدند و تنبیه می‌کردند» (ناصری، ۱۳۸۶، صص. ۵۸-۵۹). همین آنچه گفته شد میزان اهمیت روزنامه اختر را در روشنگری از استبداد ناصری نشان می‌دهد. ناگفته نماند، تطبیق اندیشه‌های آزادی‌خواهانه از یکسو و افکار دینی و فرهنگ خودی از مهمترین هنرهای روزنامه اختر است (نصر، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۱). با توجه به ماهیت و هدف گردانندگان روزنامه اختر، این نشریه، مطبوعات ایران را از چارچوب تنگ روزنامه‌نگاری دولتی ایران بیرون کشید و همچنین باعث تولید روزنامه‌نگاری سیاسی-مردمی شد (کهن، ۱۳۶۳: ۱۰۳-۱۰۵).

نکته در خور تأمل دیگر اینکه؛ روزنامه اختر در کنار محاسنی که داشت از برخی نقطه‌ضعف‌ها نیز برخوردار بوده است. یکی از مشکلاتی که اختر از آن رنج می‌برد، سودجویی‌هایی بود که صاحب آن داشته است (خسروشاهی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۰). چاپ مطالب همراه با بغض علیه سیدجمال از جمله نقاط ضعف دیگر این روزنامه است. (خسروشاهی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۰).

اختر در طول دوره بیست‌سال حیات خود بارها و بارها توقیف شد و پس از مدتی مجدداً منتشر شد. دولت ایران برای توقیف دائم این نشریه فشار بسیاری را به دولت عثمانی وارد می‌نمود. روزنامه اختر سرانجام در سال ۱۳۱۳ قمری توسط دولت عثمانی برای همیشه توقیف شد. بعدها وقوع انقلاب مشروطه، همان رخدادی که اختر به دنبال آن بود، میزان تأثیرگذاری این روزنامه را نشان داد (رادمرز، ۱۳۹۰).

۴- سبک مطالب نشریه مورد بررسی

هر یک از مطالب به لحاظ سبک در یکی از مفاهیم و فرم‌های رایج روزنامه‌نگاری کدگذاری می‌شوند:

- ۱- خبر: شامل اخبار داخلی و خارجی در زمینه‌های گوناگون است که با اصطلاحاتی چون اخبار داخله، اخبار ممالک محروسه، وقایع و اخبار مملکت، وقایع و اخبار دارالمرز، اخبار ممالک خارجه، ترجمه: شامل روزنامه پاریس، روزنامه دولت انگلیس، وقایع حالیه انگلستان، دیگر ممالک و نظایر این‌ها منتشر شده‌اند.
- ۲- گزارش: برخی اخبار در نشریات قاجار بیش از آنکه خبر باشند به گزارش شبیه

هستند و گزارش‌هایی نیز از مطبوعات خارجی منتشر کرده‌اند که با تعریف گزارش همخوانی دارند.

۳- مقاله: شامل مقاله، سر مقاله، نقد، تحلیل و تفسیر، و یادداشت است.

۴- اعلان: با نام‌های اعلان نامه، اعلام نامه، اعلام دولتی، اعلانات در زمینه‌های گوناگون فرهنگی (مانند اعلانات مدارس)، سیاسی (اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های دولت) و اجتماعی (اعلانات مربوط به امور خیریه یا عام المنفعه) منتشر می‌شده است.

۵- مکتوبات: شامل نامه‌های گوناگون (با نام مراسلات، مکتوبات، عریضه و نظایر آن) و پاسخ نشریه به آنهاست.

۶- سایر: هر مطلبی که در سبک‌های یادشده نگنجد؛ مانند: جملات قصار، تبریک و تسلیت، تصحیح و تکذیب که در این مقوله قرار گرفته‌اند (فرقانی و حمزه‌ئی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۶-۱۶۷).

محتوای مطلب: اصطلاح کلی به معنای هر نوع مسئله که می‌تواند، موضوع یک مطلب در روزنامه نگاری قرار گیرد (محمدی‌فر، ۱۳۷۸، ص. ۲۸۰).

در این پژوهش هر یک از مطالب بر حسب اینکه به چه مسئله‌ای پرداخته‌اند، در یکی از کدهای: ۱- سیاسی (مراودات سیاسی در سطح داخلی و خارجی)؛ ۲- اقتصادی (مالیات، گمرک، اشتغال، معیشت، شیوه‌های تولید و کسب‌وکار، قیمت اجناس، فلاحیت، معادن، تجارت و نظایر آن)؛ ۳- نظامی (جنگ، تجهیزات و شیوه‌های نظامی و نظایر آن)؛ ۴- اجتماعی (امنیت اجتماعی، بهداشت عمومی و نظایر دیگر آن) و ۵- فرهنگی (باورها، اعتقادات عمومی، فعالیت‌های فرهنگی در زمینه آموزشگاه‌ها و مدارس، تعلیم و تربیت و نظایر آن) قرار گرفته‌اند (فرقانی و حمزه‌ئی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۷).

درنهایت نیز مؤلفه‌های حقوق شهروندی، بر اساس مدل نظری تحقیق ترسیم و دراین‌راستا، بازتاب مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نشریه اختر کدگذاری شد.

۵- چارچوب مفهومی

۵-۱- حقوق شهروندی

یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت شهروندی است. در مقدمه اعلامیه «حقوق بشر و شهروند» آمده که تنها علت بدبختی‌های عمومی و فساد دولت‌ها، انکار یا فراموشی حقوق انسانی مردم است، در حالی این اعلامیه و نظام بین‌الملل جهانی با این همه شعار نتوانستند، برای ترویج حقوق شهروندی و احقاق حق کشورها و ملت‌های ضعیف اقدامی کنند. البته، با توجه به اهداف حقوق بشر و پیام‌های ادیان الهی خواهیم دید که ادیان الهی، به خصوص دین اسلام، نقش بسیار مؤثری در ترویج حقوق بشر و شهروند داشته است، لذا در سیر تاریخی مباحث شهروندی باید بزرگ‌ترین سهم را به ادیان الهی از جمله دین اسلام داد (مهرپور، ۱۳۷۷، صص. ۸۷-۸۸)؛ زیرا دین اسلام همواره در برابر ستمکاران و زورگویان ایستادگی کرده و در جهت عدالت اجتماعی و مفاهیم انسانی سخن رانده است (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰، ص. ۴).

۵-۲- مفهوم حقوق شهروندی

امروزه در مطبوعات از عبارت «حقوق شهروندی» زیاد استفاده می‌شود، اما بیش تر بعد سیاسی آن مدنظر است تا مفهوم دقیق فقهی و حقوقی آن، از این رو لازم است معنای مورد نظر در این نوشتار و تحقیق مشخص شود.

۵-۲-۱- شهروند و شهروندی

الف) مفهوم لغوی شهروند

در لغتنامه دهخدا شهروند «اهل یک شهر و یا کشور» تعریف شده است و در ادامه توضیح داده است که پسوند «وند» در این واژه در گذشته «بند» بوده است و در واقع این واژه «شهروند» بوده (به معنای کسی که به شهری بند است) و با گذشت زمان «بند» به «وند» تبدیل شده است و معادل انگلیسی شهروند «citizen» است.

ب) مفهوم اصطلاحی شهروند

در اصطلاح شهروند عضو جامعه سیاسی است که حقوق و وظایف مرتبط با این

عضویت را دارد و از وجود رابطه و پیوند متقابل فرد و جامعه سیاسی حکایت می‌کند. البته باید توجه کرد که برخی از الزامات این واژه در غیر شهر کمتر معنا پیدا می‌کند؛ زیرا بیشتر شهرها محل ظهور روابط پیچیده سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی‌اند، اما این بدان معنا نیست که روستاییان، یا افرادی که در غیر شهر زندگی می‌کنند، شهروند به‌شمار نمی‌آیند، بلکه از باب تغلیب به همه افراد یک سرزمین یا کشور، شهروند گفته می‌شود. در واقع شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور دارد و در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، و شکل‌دهی آن مستقیم و غیرمستقیم مؤثر است. خلاصه اینکه، شهروند بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت دارد و حاکی از آن است.

ج) شهروندی

شهروندی (که یای نسبت در آن وجود دارد)، در واقع حاکی از موقعیت و حالت انسانی است که بر اساس آن باید از حقوق و مزایای برخوردار و تکالیفی را عهده‌دار شود، هر چند در دولت-شهر نباشد، یعنی ساکن کشور نباشد (جعفری/نگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۶-۱۷۷)؛ بنابراین، شهروندی وضعیتی است که به افراد عضو جامعه‌ای ملی اعطا می‌شود و حقوق شهروندی حقوقی است که از آن ناشی می‌شود و مشارکت در این دارایی عمومی را آسان می‌کند. به عبارت دیگر مفهوم جغرافیایی شهروندی، که اکنون معیاری متداول شده است، مزایا و مسئولیت‌هایی خاص را به‌عنوان شهروندی برای کسانی که در سرزمینی متولد شده باشند، یا به‌طور دائم در آن زندگی کنند، و یا بر اساس سایر قوانین به تابعیت کشور درآیند، به رسمیت می‌شناسد.

شهروندی هویت جدیدی به فرد می‌بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، خونی، تباری، و شغلی است؛ بنابراین، شهروندی به وضع رابطه شخص و جامعه‌ای سیاسی به نام دولت-کشور گفته می‌شود که بر اساس آن، اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است.

درواقع، ویژگی‌ای که شهروندی را از تابعیت صرف جدا می‌کند، وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه صرفاً موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی

فعالانه و تأثیرگذار است. در نگاهی کلی، شهروند حاکی از رابطه‌ای خاص میان جامعه سیاسی و عضو آن است که بر اساس آن، فرد حقوق و تکالیفی خواهد داشت. پس شهروند بر عضویت، و شهروندی بر آن حالتی که از این وضعیت ناشی می‌شود، دلالت دارد. در نهایت، حقوق شهروندی مجموعه امتیازات و اختیارات ناشی از موقعیت و حالتی متشکل از حقوق شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و هر یک از موارد مزبور مصادیق متعددی دارد که باید در جای خود بررسی شود (جعفری/نگرودی، ۱۳۸۵، صص. ۵-۶).

در نهایت اینکه؛ ارج نهادن به حقوق اولیه انسان‌ها به‌عنوان حقوق بشر و شهروندی از مهم‌ترین اولویت‌های قانون‌گذاری در هر نظام است. حقوق شهروندی، مجموعه امتیازات و برخورداریهایی است که در نظام حقوقی یک کشور به شهروندان آن، با لحاظ نمودن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض در جهت فراهم ساختن زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی به آنها اعطا می‌شود. این مفهوم اغلب در کنار مفاهیم مشابه دیگر یعنی حقوق اساسی و حقوق بشر مطرح می‌گردد. این سه مفهوم گاه به‌جای یکدیگر به‌کار برده می‌شوند ولی در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان آنها و دلالت موضوعی آنها وجود دارد. حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی یک کشور شکل ملی به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان آن کشور می‌شود. حقوق بشر یا حقوق طبیعی انسان‌ها، امتیازاتی است که بشر بنا به موجودیت در یک جامعه انسانی باید از آن برخوردار باشد؛ مثل حق متهم برای برخورداری از محاکمه عادلانه و یا حق مشارکت سیاسی. مخاطب این حقوق دولت‌ها هستند که موظف به پایبندی و ارتقاء آن می‌باشند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان «شهروندی» را از دو زاویه مورد توجه قرار داد. نخست «شهروندی» از منظر «برخورداری از حقوق و اختیارات» و دوم «الزامات دولت در قبال شهروندان».

در شکل نخست شهروندان از یک‌سو ملزم و مکلف به رعایت قانون و حقوق دیگران هستند که این الزامات جزء مسئولیت‌های فردی شهروندی است که هر فرد باید از قوانین اجتماع یا کشوری که در آنجا زندگی می‌کند تبعیت کند و به حقوق دیگران احترام بگذارد

و از سوی دیگر مختار است به‌عنوان شهروند فعال داوطلبانه در جامعه نقش مؤثری ایفا نماید و با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون مثل انجمن اولیاء و مربیان و سازمان‌های غیردولتی و شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری مشارکت نماید. در بحث الزامات دولت در قبال شهروندان می‌توان از ارائه خدمات مختلف از سوی دولت به شهروندان به‌عنوان تکلیف اصلی و اساسی دولت اشاره کرد، نظیر آموزش و پرورش، تأمین بهداشت عمومی، آب و غذای سالم، توزیع مایحتاج عمومی، حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، محیط زیست و

اما مهم‌ترین بحث در مورد «شهروندی» حق شهروند در داشتن حقوق و برخورداری‌هایی است که از سوی حاکمیت و از طریق وضع قوانین و مقررات به آنها داده می‌شود. آگاه کردن شهروندان از حقوق و برخورداری‌ها به‌عنوان «حق» و اطلاع‌رسانی مطلوب از قوانین و مقرراتی که متضمن امتیازات برای «شهروندان» و تکالیف برای «دولت» است از جمله وظایف و مسئولیت‌های مهم حاکمیت محسوب می‌گردد (مداح، ۱۳۹۳).

۶- چارچوب نظری

۱-۶- نظریه اجتماعی شهروندی

در نگاه اول به این چشم‌انداز نظری شهروندی خودبخود آشکار می‌شود که منظور از به‌کارگیری این عنوان (نظریه اجتماعی شهروندی) اشاره به صورت‌بندی نظری مفهوم/پدیده شهروندی در یک چشم‌انداز نظری خاص یعنی ویژگی‌ها، معانی و نکات دیگری درباره «نظریه اجتماعی شهروندی» است، اما با واریسی بیشتر و نگاه دقیق‌تر به «نظریه اجتماعی» این چشم‌انداز نظری مشخص می‌شود که برای پژوهش ما بسیار حائز اهمیت است. در طی بحث سعی می‌کنیم که این ویژگی‌ها را مشخص کنیم. اولین واریسی‌ها به ما نشان می‌دهد که صورت‌بندی نظری مفهوم/پدیده شهروندی در نظریه اجتماعی شهروندی را می‌باید در چند کانون نظری خاص دنبال کرد که هرکدام از چشم‌انداز و رهیافت خاص به مفهوم/پدیده شهروندی پرداخته‌اند. درحقیقت ما با «نظریه

اجتماعی شهروندی» روبرو هستیم و نه یک «نظریه‌های اجتماعی شهروندی». همان‌گونه که برایان.اس. ترنر نشان داده است به یک معنا می‌توان از «نظریه اجتماعی شهروندی تلویحی» که توسط کلاسیک‌های برجسته یعنی مارکس، دورکیم، وبر، تونیس و نظریه‌پرداز اجتماعی مدرن یعنی پارسونز به صورت تلویحی در لابلای مباحث جامعه‌شناسی آنان آمده است.

«نظریه اجتماعی شهروندی کانونی» که برای اولین بار توسط نظریه‌پرداز اجتماعی مدرن تی.اچ. مارشال صورت‌بندی شده است و سرانجام «نظریه اجتماعی شهروندی فراگیر» که تلفیقی از تمامی نظریه‌های اجتماعی شهروندی کلاسیک و مدرن است و خود ترنر آن را صورت‌بندی نموده است، نام برد. بنابر استدلال ترنر، نظریه اجتماعی شهروندی تلویحی مارکس، دورکیم، وبر و تونیس گرچه «مبنایی» است اما «چندان موفق» نبوده است. نظریه اجتماعی شهروندی کانونی مارشال نیز موفق، مطرح و پرنفوذ و نسبتاً کاربردی و درعین حال قابل انتقاد است. ترنر سرانجام نظریه اجتماعی شهروندی فراگیر خود را تلفیقی و کاربردی دانسته است.

در مورد نظریه خاص جامعه‌شناسی شهروندی و چند کانون نظری برجسته آن به‌ویژه با توجه به گسترش نظری اخیر آن در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و حتی جامعه‌شناسی دین، شناخت خطوط آغازین مطرح در نظریه‌های اجتماعی شهروندی بسیار سودمند است (فتحی و مختاری‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۹۶-۹۷).

۲-۶- نظریه اجتماعی شهروندی تلویحی

اولین نوع از نظریه‌های اجتماعی شهروندی، که به گفته ترنر در آثار جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی برجسته کلاسیک یعنی مارکس، دورکیم، وبر و تونیس و همچنین نظریه‌پرداز اجتماعی مدرن یعنی پارسونز، به صورت «تلویحی» (در لابلای مباحث جامعه‌شناختی آنان) صورت‌بندی شده است؛ برای یک «نظریه جامعه‌شناسی شهروندی» حالت «مبنایی» را دارد. گرچه با استناد به استدلال‌های ترنر این نوع نظریه اجتماعی شهروندی بنا به دلایلی چندان موفق نبوده است با وجود این نمی‌توان از رگه‌های نظری

مندرج در آن که نوع نگاه جامعه‌شناختی به مفهوم/پدیده شهروندی را می‌سازند، صرف‌نظر کرد. از این‌رو سودمند است نگاهی به خطوط آغازین این‌ها داشته باشیم. پیش‌از آن لازم است اشاره شود که در نظریه اجتماعی شهروندی تلویحی، دست‌کم پنج کانون نظری برجسته و تأثیرگذار قابل تشخیص است: نظریه جامعه مدنی/انقلابی مارکس، نظریه مدرنیته ماکس وبر، نظریه عضویت اجتماعی شهری دورکیم و نظریه عضویت اجتماعی گزلفاشفتی تونیس. ما به تفکیک خطوط آغازین در هر کدام از این نظریه‌های اجتماعی شهروندی را به‌صورتی فشرده مرور می‌کنیم (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۳).

۱-۲-۶- نظریه جامعه مدنی / انقلابی مارکس

در این نظریه، مارکس با نقد میراث هگلی و میراث فکری جان استوارت میل و به‌طور عمده ایده‌های لیبرالیسم فردگرایانه آغاز می‌کند. تصریح اصلی این نظریه ناکافی تلقی کردن نظریه‌های لیبرالی و بورژوایی شهروندی است، اما خطوط اصلی و شالوده‌ای نظریه مارکس یعنی نظریه «جامعه مدنی انقلابی و شهروندی» آشکارا مبتنی بر دو جهت‌گیری نظری است:

اول: «شهروندی» با عضویت اجتماعی و مشارکت سیاسی در جامعه مدنی به‌هم‌گره خورده است.

دوم: بدون تحول و دگرگونی‌های انقلابی در قالب‌های حقوقی و سیاسی جامعه مدنی امکان تحقق شهروندی فراهم نیست.

بنابراین با توجه به این جهت‌گیری‌های نظری می‌توان استنباط کرد که سرآغاز نظری نظریه شهروندی انقلابی مارکس و جامعه مدنی و شهروندی مارکس فارغ از تنوع‌های نظری احتمالی در آن، مقوله کلیدی شهروندی انقلابی است که به‌دلایل مارکسیستی، شهروندی بورژوایی و لیبرال محسوب می‌شود.

۲-۲-۶- نظریه مدرنیته ماکس وبر

همان‌گونه که در نظریه شهروندی مارکس جهت‌گیری نظری به سمت‌وسوی دیدگاه‌های رادیکال از شکل‌بندی جامعه سرمایه‌داری پیشرفته است و لذا مارکس بیشتر نگاه به

یک شکل‌بندی انقلابی از جامعه مدنی دارد که در آن با دگرگونی انقلابی در قالب‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جامعه مدنی بورژوازی و لیبرال شهروندی انقلابی امکان‌پذیر می‌گردد.

ماکس وبر جهت‌گیری نظری متمایز در عین حال مخالف با مارکس اتخاذ کرده است. از این رو هسته مشترک نظریه شهروندی ماکس وبری به سمت دو فرایند جامعه‌شناختی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی) در شکل‌بندی جامعه سرمایه‌داری پیشرفته است: نوسازی و عقلانی شدن، محور نظری شهروندی در فرایند مورد نظر ماکس وبر نیز عضویت اجتماعی است. منتهی باید توجه داشت که در نظریه مدرنیته شهروندی وبری، وزنه نظری بیشتر به سمت وسوی تحلیل و تبیین جامعه‌شناسی تاریخی شکل‌گیری شهروندی (وجه پدیداری) است تا جامعه‌شناسی نظری شهروندی (وجه مفهومی). با وجود این از واریته نظریه شهروندی وبر، که ارتباط تنگاتنگی نیز با مقوله شهر از دیدگاه وی دارد می‌توان ایده‌های جامعه‌شناختی مناسبی برای یک نظریه جامعه‌شناسی شهروندی با تأکید بر جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب و یا شهر مدرن غربی پس از رنسانس بیرون کشید. رتوس این خطوط تحلیل به همراه مقوله‌های کلیدی و عوامل تاریخی-اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری شهروندی در شهر مدرن غربی پس از رنسانس را می‌توان به صورت زیر مرتب کرد:

اول: خاستگاه‌های اصلی شکل‌گیری شهروندی را باید در نابودی تدریجی و نهایی فرماسیون فئودالیستی و توسعه و گسترش نظامی گری شهری (پیاده نظام شهری و شبه نظامیان شهری) سراغ گرفت.

دوم: آموزه‌های دینی مسیحی نیز از طریق گسترش ایده انجمن‌های محلی شهری، به‌عنوان یک هویت سیاسی مبتنی بر یک ایمان و باور مشترک، بر شکل‌گیری شهروندی تأثیر گذاشته است.

سوم: هویت‌های سیاسی مبتنی بر یک ایمان و باور مشترک مسیحی نقش هویت‌های مبتنی بر عضویت محلی و عضویت قبیله‌ای را کم‌رنگ نموده و از این طریق بر شکل‌گیری شهروندی تأثیر گذاشته است.

چهارم: شکل‌گیری نهایی شهروندی در غرب به‌عنوان یک بخش اساسی از ساختار اجتماعی تمدن سرمایه‌داری مدرن ناشی از ترکیب چند عامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی، اقتصادی اساسی بوده است؛ بنابراین از نظریه مدرنیته وبری چند ایده کلیدی در زمینه جامعه‌شناسی نظری شهروندی، جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی، جامعه‌شناسی سیاسی و حقوقی شهروندی، جامعه‌شناسی شهری شهروندی و جامعه‌شناسی دینی شهروندی می‌توان بیرون کشید که در آنها تعامل چند بعدی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری شهروندی بارز است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۴).

چنانچه این عوامل جامعه‌شناختی را در بافت تاریخی اجتماعی نوسازی و عقلانی شدن زندگی پیشرفته مورد توجه قرار دهیم می‌توان گفت که شهروندی در این بافت تاریخی اجتماعی پیشرفته و عقلانی‌شده نوعی عضویت اجتماعی پیشرفته و عقلانی محسوب می‌شود. پُر واضح است که این نوع عضویت اجتماعی یا در حقیقت شهروندی - شکل به دلیل عضویت اجتماعی پیشامدرن و عقلانی‌نشده در یک جامعه سنتی و پیشامدرن است. پس در نظریه مدرنیته وبری مقوله کلیدی شهروندی پیشرفته عقلانی خواهد بود.

۳-۲-۶- نظریه عضویت اجتماعی شهری دورکیم

در نزد دورکیم، دیگر جامعه‌شناس برجسته کلاسیک، شهروندی به‌مثابه عضویت اجتماعی شهری تعریف شده است. این نوع عضویت اجتماعی شهری مدرن (شهروندی) مبنایی برای انسجام و همبستگی عرفی و دنیوی در جامعه مدرن (شهری) است. اهمیت شهروندی به این معنا از این جهت است که دورکیم آن را جایگزین و جانشین دین که مبنایی برای احساسات جمعی در جوامع سنتی است می‌داند. معنای دیگری که در عنطریه‌ضویت اجتماعی شهری دورکیم برای شهروندی متصور است، این است که نوعی تعهد سیاسی عرفی و دنیوی نیز محسوب می‌شود. این نوع تعهد سیاسی پیشرفته نوعی هویت اجتماعی ملی است که درضمن نقش یک چارچوب اخلاقی را نیز ایفا می‌کند. این چارچوب اخلاقی از یک هستی اجتماعی بزرگتر نظیر انسانیت گسترش پیدا می‌کند.

نتایج نظری نظریه عضویت اجتماعی شهری دورکیم درباره شهروندی آشکارا چند خط تحلیل نظری برجسته را نشان می‌دهد که برای به‌دست آوردن مقوله کلیدی شهروندی در دیدگاه دروکیمی حائز اهمیت است:

اول: شهروندی نوعی عضویت اجتماعی در جامعه شهری پیشرفته (جامعه دستخوش سنت‌زدایی، جامعه عرفی و دنیوی شده) است.

دوم: شهروندی جایگزین و جانشین پیشرفته دین سنتی است.

سوم: شهروندی نوعی چارچوب اخلاقی در دل یک هستی اجتماعی بزرگتر به نام انسانیت است.

این خطوط تحلیل نظری که برگرفته از صورت‌بندی‌های نظری دورکیمی درباره جامعه‌شناسی شهری شهروندی، جامعه‌شناسی دینی شهروندی و جامعه‌شناسی اخلاقی شهروندی است، شهروندی را به‌عنوان یک هویت اجتماعی، ملی و انسانی بر مبنای هویت جهانی مدرن تلقی می‌کند. با توجه به آنچه که گفته شد می‌توان نشان داد که مقوله کلیدی شهروندی در نزد دورکیم نوعی «شهروندی شهری پیشرفته، عرفی، مدنی، سیاسی و اخلاقی» است که جایگزین و جانشین عضویت اجتماعی سنتی دینی است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶).

۴-۲-۶- نظریه عضویت اجتماعی گزلفاشافتی تونیس

در نظریه اجتماعی تونیس نیز شهروندی نوعی عضویت اجتماعی است. منتهی عضویت اجتماعی که فقط ناظر به یکی از دو نوع هستی اجتماعی، گزلفاشافت در برابرگمیشافت است. در نزد تونیس جایگاه شهروندی و هویت شهروندی را باید در ویژگی‌ها و الزامات یک هستی اجتماعی پیشرفته یعنی گزلفاشافت (و نه یک هستی اجتماعی سنتی یعنی گمیشافت) سراغ گرفت. تونیس، همچون ماکس وبر، با یک تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی از تحول تاریخی اجتماعی جوامع اروپایی نشان می‌دهد که چگونه همزمان با سیر تاریخی گمیشافت (اجتماعی سنتی) به سمت گزلفاشافت (جامعه پیشرفته) نوعی عضویت اجتماعی جدید شکل می‌گیرد که می‌توان آن را شهروند نامید.

تونیس همچنین شهروندی را به نوعی یک نسخه عرفی و دنیوی شده از پیوندهای

چندگانه و ابتدایی‌تر که میان دین، سنت و محلیت برقرار بوده می‌داند. این نسخه دنیوی شده از پیوندهای گفته شده همراه با شکل‌گیری آن دسته از شکل‌های جدید مشارکت اجتماعی است که بسیار متناسب با وضع جامعه‌ای است که در آستانه گزلفاشافت قرار دارد و نه گمیشافت؛ بنابراین در نزد تونیس نیز شهروندی نوعی عضویت اجتماعی جدید و پیشرفته است. براساس اصطلاح‌شناسی تونیس می‌توان مقوله کلیدی شهروندی را نوعی شهروندی عرفی گزلفاشافتی محسوب کرد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

۳-۶- تی.اچ. مارشال

درخصوص حوزه شهروندی، مارسال به سه نوع حقوق شهروندی اشاره کرده است که در طی سه قرن شکل گرفته است.

۱- حقوق مدنی: نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده است. حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادهای، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی به نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

۲- حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هر یک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب دولت و یا سایر حلقه‌هایی قدرت را به دست آورند.

۳- حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظر ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها فراهم می‌آورد. به‌طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال معلول و افراد و خانواده‌های بیکار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن

شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می‌باشد. براین اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شد. از وجوه اصلی اندیشه مارشال این است که این نظریه نوعی وابستگی متقابل درباره حقوق شهروندی را بیان می‌کند. از نتایج مهم این دیدگاه این است که مشخصه برخوردار بودن هر شهروند از بنیان‌های فرهنگی شهروندی، بهره‌مند بودن از این حقوق مطرح شده است.

۴-۶- برایان ترنر

ترنر ابتدا به نقد نظریه مارشال پرداخته و عقیده دارد که باید در حقوق شهروندی نه تنها به ابعاد «مدنی و سیاسی» شهروندی توجه کرد؛ بلکه ابعاد «اقتصادی و فرهنگی» حقوق شهروندان باید مورد بررسی قرار گیرد. براین اساس شهروندی اجتماعی و سیاسی تکیه بر شهروندی فرهنگی و اقتصادی رشد می‌کند، وی معتقد است که مارشال توجه به تفاوت‌های نژادی زبانی و مذهبی نکرده و تنها به تمایز طبقاتی و ارتباط آن با سه حقوق مطرح شده اشاره می‌کند. براین اساس فرهنگ شهروندی حلقه وصل همه طبقات اجتماعی با تأکید بر ارزش مشترک میان شهروندان شکل می‌گیرد.

به نظر ترنر، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری هویت رسمی و قانونی داده و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضائی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناسی خود موضوع فرهنگ شهروندی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هر کدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی که باید شهروندان نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند فرهنگ شهروندی را تشریح می‌کند.

ترنر بر اساس الگوی جامعه‌شناختی خود در حوزه فرهنگ شهروندی و شکل‌گیری آن اشاره به ۴ منبع اساسی می‌کند، این چهار منبع شامل «هویت حقوق منابع اقتصادی و

فرهنگی سیاسی جماعت» است. این چهار مؤلفه در فرایند متقابل با فرهنگ شهروندی متعالی همراه است. او بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، یک نوع هویت فرهنگی خاصی را برای فرد و گروه نیز ایجاد می‌کند. این همان مفهوم هویت سیاسی برای شهروندان یک جامعه است... به عقیده او منظور از منابع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بهره‌مندی هر شهروند از این منابع در جامعه است، که باید به نوعی مساوات‌طلبانه و عدالت‌گونه این منابع توسط نظام حاکم برای هر شهروند تقسیم گردد؛ که این یکی از وظایف دولت و حاکمیت وقت جامعه در برابر شهروندانش می‌باشد. به اصطلاح هر شهروند دارای حقوقی است؛ حقوق اقتصادی مربوط می‌شود به نیازهای اساسی به غذا و سلامتی که باید نظام اجتماعی تمهیداتی را برای آن فراهم کند، و حقوق فرهنگی به امکان دسترسی همگانی شهروندان به رفاه و آموزش از سوی دولت مربوط می‌شود، و در نهایت حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان شهروندان توجه می‌کند. باید مجموعه این حقوق را حقوق اجتماعی نامید که از حقوق انسانی متمایز است، حقوق اجتماعی شامل کسانی می‌شود که عضو دولت و ملت یک جامعه می‌باشند. آخرین عنصر این الگو جماعت سیاسی است، که زمینه‌ساز شهروندی در تمام ابعاد است، جماعت می‌باشد. جماعت از نظر سیاسی به‌طور مشخص همان دولت و ملت یک جامعه است، وقتی افرادی شهروند یک کشور می‌شوند، نه فقط ملتزم به رعایت یک سلسله حقوق و الزامات و تعهدات اجتماعی هستند و هویت خاصی را پذیرفته‌اند؛ و به نوعی در شهر به صورت خوب و متعالی جامعه‌پذیر شده‌اند، بلکه به جماعت سیاسی خاصی وارد شده‌اند که دارای قلمرو جغرافیایی تاریخی و سیاسی مشخص می‌باشند؛ که در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های اقلیت (اعم از دینی، سیاسی و...) می‌توان شهروندی سیاسی و فرهنگ آن را بررسی کرد و حقوق و وظایفشان را از این بعد مورد مطالعه قرار داد (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰، ص. ۹۸-۱۰۰).

۷- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شد. روش تحلیل محتوا درباره انواع

ارتباطات مثل خبر، مقاله، خطابه، داستان، شعر، تصویر، فیلم، سرود، ترانه و برنامه تلویزیونی، به کار می‌رود. بنابراین در پژوهش حاضر که به بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در مطبوعات عصر قاجار می‌پردازد، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مطالب و متن منتشر شده در روزنامه‌های عصر قاجار (مطالعه موردی روزنامه‌های اختر) می‌باشد. براین اساس، از هر دهه، یکسال را به قید قرعه انتخاب و از آن سال نیز با نمونه‌گیری نظام‌مند، ۱۲ شماره به صورت تصادفی انتخاب شد، بنابراین از اختر سال ۱۲۹۴ هـ.ق؛ سال سوم انتشار این روزنامه ۱۲ شماره از شماره‌های یک الی ۶۹؛ انتخاب و در این راستا، نیز بیش از ۶۰۰ سند موجود مورد بررسی و تحلیل محتوا گردید.

۸- یافته‌های تحقیق

مطبوعات در تبیین و تشریح تحولات تاریخ کشورمان در عرصه‌های مختلف من جمله مفاهیم، اصول و نهادهای مربوط به شهروندی از منابع معتبر و ارزشمندی به حساب می‌آیند. محدودیت اسناد و منابع اصلی در مطالعه تاریخ دوره قاجار، نشریه‌های محدود این دوره را از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار نموده است.

بدین‌سان؛ روزنامه اختر ۲۳ سال در دوره ناصری حضوری فعال و نقش‌آفرین داشت و بی‌تردید از معتبرترین جراید تاریخ مطبوعات ایران است. از آنجاکه روزنامه اختر در خارج از ایران و مرزهای سیاسی کشور منتشر می‌شد به طبع، با آزادی بیشتر به نقد و بررسی واقعیت‌ها و معضلات عدیده کشور و در این میان به مسائل حقوق شهروندی در آن روزگار می‌پرداخت.

در سر مقاله اولین شماره روزنامه اختر تأکید بر این شده که «روشنایی‌بخش آفاق مدنیت است و کحل الجواهر آماق ترقی ملک و مملکت، فلک دانش را ماهی است تابان. آسمان هنر را است درخشان. راستی‌جویان را مجموعه لطایف آثار است. آگاهی‌خواهان را جریده خلاصه افکار، تقویم وقایع گذشته و حال است. امنیت‌افزای سلامت زمان استقبال.

گازت که به نیت پاک در خدمت قومی کوشد آن گروه بختیارترین مردم خواهد بود و بدین وسیلت گوی نیکنامی را در کوی انسانیت تواند ریود. گازت که به راستکاری و استقامت باشد جلیس ظریفان پاک ضمیر است و انیس ادیبان آگاه و خبیر. ندیمی است بی مزاحمت. مصاحبی است بی نفاق. مخبری است بی غرض. خادمی است صدیق. ناصحی است مشفق. تاریخی است ناطق. و بالجمله آنچه از مزایا و مفاخر آن سخن گوئیم و از منابع و محسنات آن به شمار در آریم از هزاران یکی و از بسیار اندکی گفته خواهد شد و ...».

درواقع؛ انتشار این نشریه در استانبول موجب شد که همه ایرانیان ساکن در این شهر پروانه‌وار گرد روشنایی اختر جمع آیند. در این ارتباط مؤلف تاریخ تحلیلی مطبوعات می‌نویسد: «روزنامه اختر میدان جولان فکر و قلم عناصر دانا و بینایی قرار گرفت که به جهاتی از اقامت در وطن چشم پوشیده و در اسلامبول رحل اقامت افکنده بودند، همچون میرزا حبیب دستان و میرزا مهدی تبریزی که بعدها موصوف و معروف به منشی اختر شد. افرادی مانند میرزا یوسف‌خان متشارالدوله و میرزا نجف‌قلی‌خان که در بیداری فکر مردم سابقه خدمت قلمی داشتند با اسم و رسم یا بی‌نام، روزنامه اختر را جولان‌گاه خود قرار دادند» (محیط طباطبائی، ۱۳۶۷).

در حقیقت روزنامه اختر مستقیم و غیرمستقیم تمام سازمان‌های سیاسی و اداری ایران را مورد انتقاد شدید قرار می‌داد و چون در ایران، مخالفان آزادی کلام و بیان، آزادی را وسیله توسعه و کثرت فساد می‌خواندند و مثل همیشه و همه‌جا موافقان آزادی را به ولنگاری و بی‌بندوباری منسوب می‌داشتند؛ روزنامه اختر می‌نویسد: «آزادی و حریت را می‌شنویم به معنی مطلق العنانی و آزادی و هرزه خیالی و بی‌شرمی نیست. آزادی نتیجه علم و ادب است و رکن محکم انسانیت، آزادی حافظ مدنیت است و سرمایه قوای نظم معاش و معاد، سررشته بقاء دوام علم ابدان و ادیان آدمی که به واسطه علم و ادب خود را شناخت و تکالیف خود را دانست، حدود و حقوق ابناء جنس خود را از هر گروه و طایفه فهمید و دانست که به مقتضای آن باید عمل کرده و حفظ حقوق را بدون فرق و توفیر، در کمال آداب‌شناسی باید کرد و خلاف آن را مضر به حال خود و تمامی ابنای بشر دانست و در اجرای این تکالیف و وظایف خود مقید به هوای نفسانی و تبعیت بر

کسانی که از دایره علم و ادب خارج‌اند نکرد، آن مرد آزاد است و آزاد مرد». به بیان دیگر، بر اساس آمار توصیفی و استنباطی از این پژوهش می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که از جمع بیش از ۶۰۰ مطلب انتشار یافته روزنامه اختر، بر حسب سبک؛ نزدیک ۵۰۰ مطلب، بیش از ۷۵ درصد به سبک خبر اختصاص دارد و کمترین آن مکتوبات است. و از منظر محتوای مطالب، از کل مطالب اختر، مسائل امور سیاسی بیشترین مورد را دارد و بعد از این امور نظامی و اجتماعی و مسائل امور اقتصادی کمترین انعکاس را دارد.

نتیجه‌گیری

مفاهیم، شهر، شهروند، شهروندی و حقوق شهروندی ریشه در تاریخ دولت شهرهای چون سومر، یونان و روم باستان دارد. ارسطو نیز اولین دانشمند برای توسعه نظریه شهروندی بوده است. مطابق تعریف ارسطو از شهروند «شهروند هم باید حکمروایی و هم فرمانبرداری کند» هر چند که شهروندی در این دولت شهرها تا زیادی انحصاری بود. ماکس وبر در این ارتباط می‌گوید؛ این شهر نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پایه‌ریزی و ظهور شهروندی مدرن ایفا کردند. به تدریج نیز در قرن ۱۸ و ۱۹ با توسعه تفکر لیبرالیسم مبتنی بر آراء هابز و لاک و توسعه اقتصاد پولی و فعالیت‌های صنعتی، مالیات و ... پایه‌ای برای اجتماع شهروندی شد (شیانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۱). امیل دورکیم را می‌توان نماد بارز این تفکر دانست. دورکیم حقوق شهروندی را از دیدگاه جامعه‌شناسان مورد مطالعه قرار داد و آن را نتیجه تعاون اجتماعی برشمرد، به گونه‌ای که امروز هم کم‌وبیش پذیرفته‌اند که حقوق نمی‌تواند بی‌نیاز از جامعه‌شناسی باشد (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۳).

با این وصف، در دنیای امروز هم مباحث شهروندی و حقوق شهروندی با مؤلفه‌های چون داشتن آزادی بیان و عقیده، بهداشت، رفاه، مسکن، شغل، آموزش و پرورش، توسعه، مشارکت زنان، فقر، محیط زیست، اقلیت‌ها، مردم‌سالاری، مشارکت در امور اجرایی و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... با ادبیات و جذابیت بهتر مطرح است که به نظر می‌آید این روزها آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان یک نیاز مهم

و اساسی ملت‌ها و کشورها درآمده است. به طوری که در حال حاضر این مسئله؛ اهرم فشاری مهمی برای باج‌خواهی و به‌کنار گذاشتن کشورهای در حال توسعه و ضعیف، از سوی کشورهای توسعه‌یافته، قدرتمند و زورگو شده است.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد؛ هدف اصلی این نشریه از پرداختن به این عناصر یا انعکاس مطالبی از این دست، در حد اطلاع‌رسانی بوده و انتشار مطالب بیشتر با محتوای سیاسی این نشریه را می‌توان به برخورداری روزنامه اختر از فضای نسبتاً آزادتر برای فعالیت مطبوعاتی این عصر بیان کرد که محدودیتی در خصوص انتشار مطالب سیاسی کشورها نداشته است.

تأملی بر نتایج این مطالعه، نکات مهم دیگری را مطرح می‌کند، از جمله اینکه در دوره انتشار روزنامه اختر در خارج ایران، روزنامه‌های داخلی منتشرشده در این عصر و به‌ویژه در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه و پس‌از آن، چه رویکردی به بازتاب و منعکس مؤلفه‌های حقوق شهروندی در مطبوعات کشور داشته‌اند و آیا بین نشریات منتشرشده در داخل و خارج از کشور ایران از این نظر تفاوتی وجود داشته است؟ البته پاسخ به این پرسش‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

منابع

ابراهیمی، مهرداد (۱۳۸۶)، تحلیل محتوای ۲ شماره آغازین روزنامه اختر، *مجله یاد، سال ۲۳، زمستان ۱۳۸۶*، شماره ۸۶.

احمدپور، ایوب (۱۳۸۷)، درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام، *مجله پژوهش‌های اسلامی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷*، صص ۱۱۹-۱۴۲.

برزین، مسعود (۱۳۷۱)، *شناسنامه مطبوعات ایران از سال ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷*، تهران: انتشارات بهجت.

بی‌نام (۱۳۹۲)، حقوق شهروندی در سیر تاریخ، روزنامه ایران، شماره ۵۳۸۰ به تاریخ ۹۲/۳/۱۱، صفحه ۱۷ (حقوق شهروندی)، قابل دسترسی در:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2744361>. 22.

پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر (۱۳۹۰)، حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه،

- پژوهش‌نامه علوی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره ۲، شماره ۲: صص. ۱-۲۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، *مبسوط ترمینولوژی حقوق*، تهران: بینش.
- خسروشاهی، سیده‌ادی (۱۳۷۲)، *روزنامه اختر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی، کیهان اندیشه، بهمن و اسفند، ۱۳۷۲، شماره ۵۲.*
- رادمرد، محمد (۲۵ دی ۱۳۹۰)، *روزنامه اختر؛ ستاره‌ای در آسمان استبداد ناصری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۰ آذر ۱۳۹۳؛ قابل دسترسی در:*
<http://irdc.ir/fa/content/16259/default.aspx>.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۰)، *نقش دولت و مردم در اقتصاد از نگاه روزنامه اختر، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱.*
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، *تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳.*
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، *تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۲، صص. ۳۸-۵۳.*
- عباسی، مسلم (۱۳۸۶)، *تأثیر روزنامه اختر بر پدیده قانون‌خواهی در انقلاب مشروطیت، فصلنامه یاد، شماره ۸۵.*
- علیزاده، زهرا (۱۳۹۱)، *پیوندهای گفتمان‌های ملی‌گرایی و حقوق شهروندی در عصر قاجار، دوفصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء، سال بیست و دوم، شماره ۹، پیاپی ۹۲، صص. ۷۱-۸۶.*
- فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۹۰)، *توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۴، صص. ۸۹-۱۰۵.*
- فرقانی، محمد مهدی و حمزه‌ئی، مهدیه (۱۳۹۲)، *بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و اختر)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۱، صص. ۱۴۵-۱۸۲.*
- فصیحی، سیمین (۱۳۸۹)، *حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان عصر مشروطه، تاریخ ایران، شماره ۶۶/۵، صص. ۱۴۷-۱۶۵.*
- کهن، گوئل (۱۳۶۳)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران: انتشارات آگاه.*

محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۸)، *فرهنگ روزنامه‌نگاری*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محیط طباطبائی، محمد (۱۳۶۷)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: بعثت.
مداح، محمد (۱۳۹۳)، *تأملی بر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی*، دبیرخانه هیئت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در:

<http://hoghooghshahrvandi.ir/Default.aspx?language=fa-IR&PageContentID=344&tabid=5134>.

مهرپور، حسین (۱۳۷۷)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: اطلاعات.
ناصری، یوسف (۱۳۸۶)، گفتگو با دکتر غلامرضا وطن‌دوست، روزنامه اختر: روزنامه معتدل، *مجله یاد*، سال ۲۳، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۸۶.
نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۳)، *واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره تابستان.

نصر، عباس (۱۳۸۶)، *آزادی، قانون و مجلس در روزنامه اختر*، *مجله یاد*، سال ۲۳، شماره ۸۶.
Janowitz, M. (1980) "Observation on the Sociology of Citizenship", in B. S. Turner and P. Hamilton, eds., *Citizenship: Critical Concepts*, London: Routledge